

جلوه تاریخ مشهد در «پریزاد» و «دودر»

مرضیه درآینا یکی از القاب مشهور حضرت ثامن الحجج^(ع)، عالم امام محمد^(ص) است. درباره دلیل انتساب این لقب به وجود مقدس امام هشتم^(ع)، دیدگاه‌های گوناگونی بیان می‌کنند که یکی از آن‌ها اشاره به شدن اسم الهی آن حضرت برای همه امت‌هاست. بزرگان ادیان گوناگون، پس از حضور در مناظرات علمی مرو، به علم گسترده امام^(ص) پی بردند و خود آن حضرت نیز بایرگزارای حلقه‌های درس در مسجد کاخ مأمون، پایه‌های آن نخستین مدرسه علمیه را در ایران بنا گذاشتند. این نگاه به جایگاه امام^(ص)، چنان عمیق و ریشه‌دار بود که بعدها، پس از شهادت

حضرت، حرم مطهر و اطراف بارگاه ملکوتی شان، به مکانی مهم تبدیل شده برای ترویج علوم و آموزش دانش‌ها تبدیل شد و بزرگان و شیخ‌صوفی، در دوره منوره به تدریس پرداختند و علمای آن را دیگر مذاهب اسلامی، برای برخورداری از برکات علمی و معنوی و جود مقدس ^(۴) «الحجج» حلقه‌های درس خود را در مجاورت اماکن متبرکه و اطراف منوره گسترده‌تر کردند. به این ترتیب، مدارس علمیه، بعد از باز ساخت و بازسازی، مربوط به خدمت رسانی به زائران، اصلی ترین بازسازی بود و در اطراف حرم ساخته شد و جایگاه آن‌ها در این منطقه از شهر مشهود

بیت شد. اما چنان که در ستون «مشهدیات» نیز یادآوری کردیم، میراث و تخریب‌های اطراف طرح و طرح‌های توسعه‌ای که به‌خصوص در دهه ۱۳۸۰ها رخ داد، بسیاری از این یادگارهای علمی و فرهنگی را از بین برد. به جای بدو، روتر از مکان قبلی در جوار حرم رضوی، نقل کرد. آن‌ها همه شکوه و زیبایی، امروز تنها دو بنا به یادگار مانده است که در قلب کمربند متبرک چشم‌آوری می‌کنند و میراث روزگار بر عظمت رونق مدارس علمیه در جوار رضویه هنوز هستند. صحبت امروز ما درباره دو مدرسه هفتسال و دو روستا، دودر و ویرزاد.

«پریزاد»؛ قدیمی ترین مدرسه مشهد

پریزاد، باید به سراغ خود مدرسه برویم. مدرسه پریزاد در زمینی به مساحت حدود سیصد مترمربع و در دو طبقه، با ۲۴ حجره و چهار ایوان در چهار طرف یک حیاط نسبتاً کوچک بنا شده است. در داخل بنا و نیز سردر آن، می‌توان ترابینات کاشی و گچ‌بری‌های زیبایی را دید که بیشتر مربوط به هجرت‌های دوره صفویه به بعد است. این مدرسه، تأییش از دهه ۵۰ و صفویه یزرگ اطراف حرم رضوی، در حاشیه بازار زنجیر قرار داشت؛ یعنی در اصلی آن به سمت بازار زنجیر و تقریباً مقابل در اصلی مدرسه دودر بازمی‌شد، جایی که اکنون دالان عبور از ورودی کفشداری ۱۳ به سمت دارالوالیه (مکان سابقه مدرسه کشمشاری، با لایس) است.

کنیه موجود در مدرسه، حکایت از ترمیم آن در سال ۱۹۱۱ قمری، اواخر دوره شاه سلیمان صفوی، دارد. این کنیه در ورودی مدرسه و در حاشیه زیر طاق مقرنس کاری و با گچ ترسیم شده قرار گرفته است و در متن آن می‌خوانیم: «امر امیرالاکرام و خان‌الدوخیانی العظام مصدر الخیر و الاکار نجف قلی خان بیگلربیگی قدس‌دهار به اهتمام عالی حضرت اقامحمدباقر و سعی میرزاشاکر...»^۱ سنه ۱۲۹۱. مدرسه پیرزاده دلیل قرار گرفتن در منطقه بالاسر حضرت، از موقعیتی ممتاز برخوردار بود. اما در دوره قاجار و پهلوی، به‌خبرای این‌ها طبق گزارش رهبر معظم انقلاب در کتاب خواندنی «سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به رشته تحریر درآمده است، «ساختمان اصلی این مدرسه کنه... به‌کلی درهم ریخته و به‌ویژه آن‌ای تبدیل یافته بود، بدین جهت اداره اوقاف دست به تعمیر آن زده و مدت هاست که در آن به کار تعمیر و بنای مشغول است. ولی هنوز آماده سکونت نمی‌باشد. کار تعمیر و مرمت مدرسه را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آستان قدس رضوی به پایان رساند و امروز، مدرسه پیرزاده، محل استقرار اداره پاسخگویی به مسائل دینی و اطلاع‌رسانی است.

اوست؟ چنان که برخی، او را دخترخاله گوهرشاد آغا می‌دانند، پسندیده سپس به روایت و قول پژوهشگران معاصر اشاره می‌کند و در پایان، این احتمال را جدی تر می‌پندارد که پریزاد خانم از خوشنودان گوهرشادها بوده‌است. با این حال همان‌طور که گفتیم، اطلاعات ما درباره پریزاد خانم بابت چگونگی ساخته شدن مدرسه، دره‌ها را از ابهام قرار دارد و استاد درسترست، جوابگوی پرسش‌ها و افتخار کنیده خوشنودان نیست، اما ظاهراً باید به این‌گونه بانی به نام پریزاد خانم، بانی ساخت مدرسه، در عهد تیموری و به احتمال زیاد دوره شاه رخ بوده‌است. اعتماد و فعل، تا کسب اخبار متقن تر به همین میزان بسند کنیم. (علاقه مندان می‌توانند برای مطالعه دقیق تر درباره وقف‌نامه مدرسه پریزاد و دلیل تردیدهایی که برשמردیم، به صفحات ۲۲ تا ۲۸ کتاب «اثر محمود و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد»، استاد محمود پسندیده و انتشار یافته بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی مراجعه کنند).

بعد از این مقدمه نسبتاً طولانی درباره بانی مدرسه

اجتماعی و شاید سیاسی داشته است، باین حال آنچه مرحوم طهرانی درباره پرزادخان و مطابق با مندرجات فوق‌نامه نقل می‌کند، به نظر، دقیق و قابل اتکا نیست. مرحوم عبدالحکیم مؤیدی، شهیددانشان توانمند دوره معاصر، در مدت جزوه «پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی»، اعتقاد دارد که باید در اوصالت این فوق‌نامه و به‌دیده شهر نگریست؛ زیرا سبک نگارش آن باوقف‌نامه‌های این دوره سازگار ندارد و از همین رو، بزرگانی مانند میرزا... جاجری... از علمای خراسان در قرن ۱۳ قمری (دوره قاجار)، آن را تأیید نکرده‌اند. محمود حسینی در کتاب «اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد، به این تردید اشاره می‌کند و سخن از بسط آن به شخصیت پرزادخان به‌میان می‌آورد» (درباره تردید در حقیقت شخصیت وی می‌نویسد: «درباره شخصیت واقعی پرزادخان، ابهام‌ها و تردیدهایی وجود دارد. آیا او به راستی بنده بر نوشته بیشتر کتاب‌های تاریخی، ندیمه گوش‌شاد بوده یا قول برکت‌تک‌پایه و فوق‌نامه مدرسه یادشده، از سنسبوان و خوشبختان آن

مدرسه پریزاد که امروز در جناح شرق مسیر ورودی کفشداری ۱۲- انتهای بست شیخ بهاء الدین- تارواق دارالاولیه قرار دارد، قدیمی ترین بنای یک مدرسه علمیه در مشهد روزگار ما است. استاد احمد زنده-دیده عزیز: «... عطار... در جلد دوم کتاب «فرهنگ خراسان» (ص ۱۲۴)، «مدرسه «دودر» را قدیم ترین مدرسه علوم و معارف اسلامی» معرفی می کند که ظاهراً صحیح نیست؛ زیرا همان طور که اشاره خواهیم کرد، تاریخ بنای مدرسه «دودر»، سال ۸۲۴ هجری است و حال آنکه تاریخ ساخت مدرسه پریزاد، هم زمان با ساخت مسجد گوهرشاد و حدود سال ۸۲۲ هجری قمری در نظر گرفته می شود. هر دو بنا، در دوره شاهرخ تیموری ساخته شده است. ولی ظاهراً غلبه قدمت مدرسه پریزاد بر مدرسه دودر، واضح و مبین نیست.

درباره شخصیت بانی مدرسه، یعنی «پریزادخان» اطلاعات ما باوجود شهرت وی چندان گسترده نیست، حتی کیفیت ساخت مدرسه توسط او هم، در اهاله ای از ابهام و داستان های تاریخی بدون سند قرار دارد که نمی توان صحت و سقم آن ها را به درستی معلوم کرد. مرحوم عطاردی با توجه به وقف نامه موجود از پریزاد، اعتقاد دارد که وی از نوادگان «خواهر ربیع» بوده است. عطاردی می نویسد: «بانی این مدرسه، پریزادخان از اولاد خواهر ربیع و از ندیمان و دوستان گوهرشادخان، زوج شاهرخ و واقف مسجد جامع گوهرشاد در مشهد، ریشه بوده است، طبق وقف نامه ای که مرحوم عطاردی از آن سخن می گوید، تولید میرک اداره موقوفات این شاهزاده پریزاد، «میرزا محمد میرک الحسینی، خادم سرکار فیض آثار، سپهبد شاه و بعد از وی از اولاد ذکورا و سلاله الساده العظام میرک ابوالعالی، متولی مدرسه و موقوفات این خواهند بود. بر اساسی مندرجات این وقف نامه، البته باضافاتی که باید آن را به عنوان تاریخ شفاهی و غیر رسمی منظور داشت، پریزادخان، بانوی متمول و اشراف زاده بوده که در مشهد دوره ساختن، جایگاه ویژه

چند کلمه درباره
عماری در عصر تیموری

قبل از آنکه بخواهیم درباره این دو مدرسه، به تفصیل صحبت کنیم، باید به‌ضفاً وزمانی که این دو بنای ارجمند درآن ساخته شد، نیز نگاهی بیندازیم. بنای روی مدرسه، میراث عهد شاه‌رخسرخ تیمور است، دورانی که پس از هجوم‌های پیاپی ابتدا مغولان و بعد تیمورلنگ و ویرانی‌های بسیارگسترده ناشی از این حملات بنیان کن، خراسان برای مدتی روی آرامش را بدید و مشهد، در پی ویرانی تباران و رو به نقصان نهادن جایگاه نوغان، به تدریج پرجمعیت شد. در همین عهد، توجه شاه‌رخ به توسعه مشهد که احتمالاً ریشه در ارادت بسیار همسر نیک اندیش و ی، گوهرشاد بیگم، به وجود مقدس ثامن الحجج^(ع) داشت - تا آنجا که پیکر مادرش را در این مکان مقدس به خاک سپرد- اساس گسترش وساخت وسازهایی فاخر و تأسیس بزرگساخته‌های مورد نیاز یک شهر بزرگ را در این شهر فراهم کرد. طولی نکشید که بناهای مُعظَم سر برافراشتند و شهر جلوه شهر مشهد، به ویژه در اطراف روضه منوره و اماکن متبرکه، افزودند. مسجد جامع گوهرشاد، مسجد هفتاد و دو تن (مسجد شاه یا بنای مقبره امیرغیاث الدین ملک‌شاه در بازار قدیم مشهد) و مدارس کلاه وودر، میراث عهد تاریخی و مورد اشاره ماست که همه آن‌ها در فواصل اندک با حرم رضوی ایجاد شدند و امروز، سه بنا از این چهار سازه از رنژند، در قلب مجموعه ابنیه حرم رضوی قرار گرفته و خوشبختانه ساختمان آن‌ها تقریباً به صورت اولیه باقی مانده است.

مهدی سیدی در کتاب «تاریخ شهر مشهد»، به نقل از مژمون تاریخی دوره قاجاری، پدر بانی این مدرسه، یعنی امیر شیخ علی بهادر، از سرداران تنگ و مشهور تبریز بود که در سال ۱۲۸۴ قمری به سبب فتح کلات از ولایت به رزم سیورگل توسط امیران محلی به تبعید فرستاده شد. «این حال و بویا وجود گمانه‌های مختلف تاریخی درباره شخصیت امیر یوسف و جایگاه وی در دوره شاه رخ، موقعیت سیاسی وی به طور دقیق بر ما معلوم نیست. به هر جهت، مدرسه دودر امیر یوسف ساخت و حتماً برای آن موفق‌آتی تعیین شده است. ولی ما از آن موفقات اطلاعی نداریم. در عین حال، می‌دانیم که این مدرسه، در دوره شاه سلیمان صفوی که ساخت و ساز و مرمت بناها و اوقاف فراوان داشت، شاید به دلیل آسیب‌ها و زلزله‌ها از رونق سهمگین این دوره، تعمیر اساسی شد. کتیبه این اقدام، خوشبختانه محفوظ ماند و گزارش آن در متون تاریخی، برای استفاده پژوهشگران دردسترس است. بعد از این تعمیر، مدرسه دودر چند بار دیگر مرمت شد تا اینکه به سال‌های ۱۲۵۲ تا ۱۳۱۶، بر روی آن تعمیرات مفصل و اساسی انجام داده شد و مهدی هم به محل سکونت طلاب تبدیل شد. اما بعدها کاری از آن درامان‌کن مرتبه، که به افرازان حرم رضوی تغییر کرد.

مدرسه «دودر» و هزار ناگفته تاریخی

مطالعه دوره تیموری که در گذشته، مدرسه راه نام وی «یوسفیه» نیز
سی خواندند، باین حال اطلاعات ما درباره این شخص، محدود و بیشتر
تستی بر حدس و گمان و استفاده از «عقل تاریخی» است و در واقع، روایتی
سریع درباره او در دست نداریم.

نماید تنها منبع تردیدناپذیر درباره امیر یوسف، سنگ مزار وی باشد که دسترسی به آن برای پژوهشگران ساده نیست. زنده باد استاد عزیز...
 عطاردی از معدود کسانی است که در دوره معاصر، سنگ مزار ابررسی نموده و این را چنین گزارش کرده است: «الامیر الاعظم الملوك والاسلاطين مقتدر الامراء والكبراء في العرب والعجم اعتضاد الملوك والاسلاطين مقتدر الخوانين السابق في مضمار التفاخر غياث الدولة والدنيا والدين امير يوسف خواجه بهادر... در طرف دیگر [سنگ مزار] آمده: وهو ابن الامير الكبير... ناصب لواء المعدلة وجاه عطاء المعصية ناهي الثالث الذين امير شريخ على العرب طاب ثراه واهل الجنة مشاؤه وفاته في الثالث والعشرين من شهر... المکرم سنة ست وستين وثمانمائة... طبق گزارش

مدرسه تاریخی «دور» که امروز در فضای داخل اماکن متبرکه و در ضلع غربی اذالاتی که کشداری شماره ۱۲، اربابداره بالا به وصل می‌باشد قرار دارد، یکی از مدارس قدیمی مشهد است. برخی معتقدند که بنا به نوشته درج شده در کتیبه قدیمی مدرسه که زمان ساخت بنا را ۱۲۴۲ هجری می‌داند، باید مدرسه دور را صاحب قدیمی ترین ساختمان مدرسه های علمیه در مشهد بدانیم. این گفته، چنان که در بخش مربوط به مدرسه پیرازاد اشاره کردیم، محل تردید است. مدرسه دور، مانند مدرسه پیرازاد در حاشیه بازار زنجیر قرار داشت و از سمت شمال، به سوی معروف و تجاری «امیرنظام» محدود می شد. ظاهراً مدرسه به غیر از در اصلی، در دیگری هم داشته است که از سوی دیگر مسجد، به محله سمت غرب، باز می شد و دلیل نام گذاری مدرسه به نام «دور» همین بوده است. مدرسه تاریخی در زمینه به مساحت پانصد متر، در طبقه و با ۲۴ حجره ساخته شده است. از ویژگی های بارز مدرسه «دور»، داشتن دو گنبد است که شاید در نوع خود بدیع و منحصر به فرد باشد. زیر یکی از همین گنبدها، مرقدی دارد که ظاهر و بنا به گفته برخی از افراد، شخصی به نام «امیر یوسف خواجه بهادر»، مشهور به «غیاث الدین»، از فرماندهان

درخواستی برای توجه به بُعد تاریخی و هویتی حرم مطهر رضوی ویژه مجاوران و زائران

شاهد همیشه تاریخ مشهد

حمام‌های پر تعداد در کنار بازارها و سراهای گوناگون داشته است. این یادکردها را باید کنار نام محلات و خیابان‌ها گذاشت تا بفهمیم چه گنجینه‌هایی را از دست داده‌ایم.

برای اهالی تاریخ و دوستداران هنر و عرصه‌ها، تنها گواه باقی‌مانده از این دوره‌ای ارزشمند، گرم‌طهری‌ها هستند؛ زیرا در کنار تخریب‌های گسترده، در معبود بناهای تاریخی باقی‌مانده در آن مانند مساجد و مدرسه‌های تاریخی نیز به روی مردم بسته است. برای این اتفاق، بهانه‌های زیادی وجود دارد، یکی چون مدرسه است و یکی چون هیچ‌گاه مرمتش یا بنای نیامد که همه این‌ها را باید کنار پرانندگی بناها قرار داد و گفت که مگر از تاریخ مشهد چه مانده است که این چنین اندک هم اجازه بازسازی نمی‌دهید. فقط در تاریخ حضرت که می‌شود در میان صحن‌ها و رواق‌ها به راحتی تخریم شهر و ایران اسلامی را مرور کرد؛ از ایوان عصر صفوی به مدرسه عهد

خطاط عهد صفوی کتیبه گنبد.

مسجد گوهرشادش را می‌توان تنها بنای زنده دوره تیموری نامید و همچنین، تنها بنایی که خطی به یادگار از بایسنقر میرزا، شاهزاده خوش‌نویس و هنرمند تیموری، بر آن باقی مانده است. کاشی‌های طلافام عهد سلجوقی، سنگاب خوارزمشاهی با سرنوشت غریبش که یادگار روزگار یکی از پورش‌های سخت به مشهد در اوایل قرن هفتم قمری است، سازه‌های متنوع عصر تیموری از مسجده و مدرسه تا رواق و پس از این صحن مطهر، خود حکایت از تحولی بزرگ در حرم و به تبع آن مشهد این روزگار دارد. شدت این تحولات با آمدن صفویان و سیاست‌های این حاکمان شیعه‌مذهب بیش از پیش می‌شود و مدرسه، حمام، صحن مجلل و نهر، حرم و مشهد را به کانونی مذهبی تبدیل می‌کند.

می‌دانیم مشهد چهار باغ سلطنتی، هشت‌بهشت، ارگ، مدارس و

تیموری رفت. آینه کاری های عهد قاجار را دید و محو کاشی های سلجوقی شد. سخاخانه نادری را نظر انداخت و با نگاه به گلدسته روزگار غمزی، سیر تاریخ را مرور کرد.

نکنه نم اینکده. امی وجهه از حرم گویا برای مسئولان اهمیتی ندارد، تنها نکتیه و نوشته ای در باره بخش های مختلف حرم و قدمت آن ها نصب نشده است. بلکه هر روز با تصمیمات جدید در وود به بخشی را ممنوع می کنند، مسجد پرزاد که متعلق به آیین شده است و از مدرسه دودر نیز فقط می توان و ادعای حالا مسقف شده است و شد و اجازه رفتن به حجره ها را نمی دهند. دردناک اینجاست که به راحتی حجره ای که بانی بنا در آن دفن شده است و سنگ قبری ششصدساله با گنبدی زیبا دارد، حالتی انبارگونه پیدا کرده است.

این قبرها و مزارهای پوشیده شده در حرم کام نمی بینستند. زیارت و فرهنگ آن، با مشهد و مشهدی عجین شده است. اما اگر در کنار زیارت، به ارزش های هویتی و معماری حرم نیز توجه شود، برکت آن به شهر، شهروندان و زائرانی شک خواهد رسید. وقتی بدانی یک در، دیوار یا کاشی چه بر خود دیده است، برای ارزیابی صدچندان می آید.

شیرین سیدی، دانشجوی تاریخ مشهد ما به اسم توسعه و تحول در کمتر از صد سال گذشته پویه‌ره در این چند دهه، این قدر تغییر کرده که متأسفانه از بافت قدیم آن به‌جز چند بنای انگشت شمار، دیگر چیزی باقی نمانده است. این یعنی می‌توان در مشهد نیز مشهود دید بزرگ در میان بافت قدیمی شهر ساعت‌ها قدم زد. این شهر حتی مانند تهران مجموعه‌های بزرگ تاریخی مانند کاخ گلستان ندارد تا بتوان با آن شهر شهر را برای ساکنان، زائران و مسافران شرح داد. مشهد کنار همه این کمبودها اما تجربه‌ای عزیز دارد که هم برکت شهر است و هم وجه تسمیه‌اش شده است؛ تجربه‌ای که حالا و پس از حجم گسترده نوسازی‌های شهری، بافت قدیمش کتاب تاریخی است که می‌توان روزگار گذشته بر مشهد را بر در و دیوارش تماشا کرد. منظورش حرم علی بن موسی الرضا (ع) است و باید در توضیح سطر پیشین بگویم که حرم مناب تاریخ مشهد است؛ زیرا از هرکدام از مراحل رشد شهری می‌توان در این بارگاه نشان‌های عالی بسیاری یافت. این از نظر که بهترین معماران و هنرمندان سازه‌های اجرای آن از آن زمان می‌شده‌اند تا قوام‌الدین شیری از صابنده مسجد جامع گوشه‌شاد بگیرد تا علیرضا عباسی